

جستار در میراث منطق‌دانان مسلمان

احد فرامرز قوام‌ملکی
استاد دانشگاه تهران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۱

سرشناسه: فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۲۰ -
عنوان و نام پدیدآور: جستار در میراث منطق دانان مسلمان / احد فرامرز قراملکی.
موضوعات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
موضوعات ظاهری: ۵۷۸ ص.
شابک: 978-964-426-561-7
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: منطق اسلامی
موضوع: دانشمندان اسلامی
موضوع: منطق‌دان‌ها
شناسه افزودن پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ / اد ۲۸ / ب۵
رده بندی دیویی: ۱۶۰
شماره کتابخانه ملی: ۲۵۰۱۲۲۰



جستار در میراث منطق دانان مسلمان

مؤلف: احد فرامرز قراملکی
ویراستار ادبی: سیده زهرا حسینی
ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیر نشر: ناصر زعفرانچی
ناظر چاپ: مجید اسماعیلی رازع
نسخه پرداز: فرزانه صادقیان
آماده سازی: عرفان بهار دوست
حروف نگار و صفحه آرا: سیده مریم حسینی و سمانه امینی
طرح روی جلد: اعظم صادقیان
اجرای جلد: عطا... کاویانی
چاپ اول: ۱۳۹۱
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: بیک فرهنگ
ردیف انتشار: ۸۷-۹۰
بها: ۱۶۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 978-964-426-561-7

شابک ۷-۵۶۱-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۴۱۷

فهرست مطالب

مقدمه	ذ
بخش اول: مباحث علم‌شناسی	۱
فصل اول/ رهیافت‌های دانشمندان مسلمان در علم‌شناسی	۳
فصل دوم/ قاعده شناخت موضوع علوم در الگوی علم‌شناسی ارسطوئیان	۲۷
فصل سوم/ هویت معرفتی منطق در علم‌شناسی منطق‌دانان مسلمان	۷۵
فصل چهارم/ الگوی علم‌شناسی اصولیان	۱۰۶
بخش دوم: مباحث معرفت‌شناختی	۱۲۷
فصل پنجم/ نظریه توجیه نزد خواجه طوسی	۱۲۹
فصل ششم/ عقل مفارق نزد طوسی: انگاره‌ای جهان‌شناختی ایستاده بر تعریفی	
معرفت‌شناختی	۱۴۳
فصل هفتم/ بداهت تصورات حسی نزد دانشمندان مسلمان	۱۶۱
فصل هشتم/ سهم منطق‌دانان مسلمان در توسعه نظریه ارسطویی تمثیل	۱۷۵
فصل نهم/ از کثرت گرایی تا جهان شمولی معرفت	۱۹۳
بخش سوم: آراء منطقی دانشمندان مسلمان	۲۱۱

د جستار در میراث منطق دانان مسلمان

فصل دهم/ تحول ساختاری در منطق نگاری ابن سینا و تاثیر تاریخی آن در تمدن اسلامی.....	۲۱۳
فصل یازدهم/ مکتب منطقی شیخ اشراق.....	۲۳۷
فصل دوازدهم/ تبیین منطق پژوهی علامه حلی.....	۲۵۷
فصل سیزدهم/ قطب الدین رازی و حل معمای مجهول مطلق.....	۲۷۷
فصل چهاردهم/ آراء و افکار منطقی جلال الدین دوانی.....	۲۹۱
فصل پانزدهم/ ملاصدرا و تحویل قضایا به حملی موجب کلی ضروری...۳۰۷	
بخش چهارم: مسایل منطقی.....	۳۲۱
فصل شانزدهم/ مفاهیم غیر محصل و منطق ماهیات.....	۳۲۳
فصل هفدهم/ چالش منطق دانان در تحلیل مفهومی خبر.....	۳۳۹
فصل هیجدهم/ تمایز مصداقی خبر.....	۳۶۹
فصل نوزدهم/ اجزاء قضیه حملی.....	۳۹۳
فصل بیستم/ از طبیعیه تا محمول درجه دو.....	۴۳۹
فصل بیست و یکم/ قضایای حقیقی، خارجی و ذهنی نزد منطق دانان مسلمان.....	۴۶۳
منابع.....	۴۸۷

مقدمه

شناخت انتقادی رمایات‌ها و به‌آوردهای معرفتی پیشینیان یکی از وجوه مواجهه روشمند و اخلاقی با سنت است. کشف میراث منطقی در این میان اهمیت خاصی دارد. دانشمندان مسلمان میراث یونانی منطق را از منابع ارسطویی، مگاری و رواقی برگرفتند و آن را توسعه دادند. دادوستد دانش منطق با فلسفه، کلام و سپس در دوره‌های متأخر با علم اصول سبب توسعه این دانش‌ها شد. بونصر فارابی که لقب معلم را همانند ارسطو دارد، دوره ترجمه متون یونانی را به دوره شرح انتقادی و فهم تحلیلی بارور کرد. فارابی سهم مهم اما ناشناخته در بسط منطق ارسطویی دارد. اطلاعات ما از نقش منطق‌دانان پیش از فارابی بسیار اندک است. آثار منطقی فرزند زکریای رازی را به دست نیآورده‌ایم. او که در اندیشه‌های فلسفی راه ارسطو را در پیش نمی‌گیرد، نمی‌داند میراث ارسطویی چه کرده است. برخی تعلیقات یحیی بن عدی نشانگر دقت قابل ستایش او در فهم انتقادی آثار ارسطو است. آنچه سنت منطقی در تمدن اسلامی را نشان می‌دهد حاصل منطق‌پژوهی ابن‌سینا است. ابن‌سینا با بهره‌مندی از پژوهش‌های پیشین، دانش منطق را در دو نظام نه بخشی و دویخشی رواج داد.

الگوی مطالعه تاریخی

تلاش علمی فارابی زمینه را برای تدوین رساله‌ها و کتاب‌های مؤثر ابن‌سینا در توسعه و تحول دانش منطق به وجود آورد. ابن‌سینا علاوه بر آثار جامع و شامل منطق، طبیعیات و الهیات و در مواردی چون شفا، عیون الحکمة و نجات شامل ریاضیات، تکنگرایی‌های گوناگون در تحلیل مسایل منطقی نگاشت. برخی از این پژوهش‌ها مانند رساله بیست مساله جهت گیری انتقادی دارند و برخی دیگر مانند اشارات و منطق مشرقیین اهداف تأسیسی دارند. در نشان دادن اهمیت ابن‌سینا در توسعه منطق در تمدن اسلامی این نکته کافی است که جز موارد نادری مانند ابن‌رشد، منطق دانان دوره بعد در منطق‌نگاری و منطق‌پژوهی یا از شفای بوعلی و یا از اشارات وی تأثیر پذیرفته‌اند. منطق شفای بوعلی را می‌توان اوج منطق‌نگاری نه بخشی در تمدن اسلامی دانست و منطق اشارات او سرآغاز منطق‌نگاری دوبخشی است. آنچه در دوره‌های پس از ابن‌سینا به منزله سنت منطقی حاکم در تمدن اسلامی به وجود آمد، ریشه یونانی و کالبد ابن‌سینایی دارد. ملاصدرا که توانست از پارادایم و سنت ابن‌سینایی در فلسفه و الهیات فراتر رود و سنت جدید فلسفی تاسیس کند (نک: فرامرز قراملکی، روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا) در منطق جز پیروی از برخی نوآوری‌های شیخ اشراق و طریح برخی دیدگاه‌های جدید، تحولی را سبب نشد. این در حالی است که منطق ارسطویی-سینوی، منطق مناسب با حکمت متعالیه صدرایی نیست.

منطق‌نگاران دوبخشی در قرن هفتم، منطق اشارات را بسط دادند و مسایل فراوانی را در دانش منطق به میان آوردند. اعتبار قضیه طبیعی، اعتبار قضایای سه‌گانه، عکس‌پذیری سالب جزئی وجودیه نمونه‌هایی از این نوآوری‌اند. خونجی، ابهری، ارموی، کاتبی و شمس‌الدین محمد سمرقندی در سده هفتم با

بهره‌مندی از آراء منطقی فخر رازی و شیخ اشراق منطق‌نگاری دوبخشی را توسعه دادند.

فخر رازی و شیخ اشراق اندیشه بازسازی در منطق داشتند اما هر دو در پارادایم اشارات بوعلی به نقادی و نوآوری می‌اندیشیدند. نصیرالدین طوسی در سده هفتم به عنوان سخنگوی منصب منطق‌نگاری نه بخشی از منتقدان منطق‌نگاری دوبخشی بود. وی به عنوان مثال بر تنزیل الافکار ابهری نقد نوشت (تعدیل المعیار) نوآوری‌های منطق‌نگاران دوبخشی، مانند اعتبار طبیعی، قضایای ثلث، مفهوم‌سازی جدید از ذاتی، قنیه و... را پذیرفت و آنها را به چالش گرفت. اما آثار منطق‌دانان در سنت دوبخشی به صورت متن‌های درسی درآمد و منطق‌خوانی و منطق‌پژوهی را در سنت دوبخشی رواج داد. شرح قطب‌الدین رازی بر شمسیه کاتبی و شرح وی بر مطالع الانوار ارموی به ترتیب شیوه منطق‌خوانی و روش منطق‌پژوهی را در سنت دوبخشی تحکیم بخشید. در میان منطق‌دانان سده هفتم، ابهری در نوشتن متن درسی مهارت و چیرگی خاصی داشت. هدایه و ایساغوجی او با شرح‌ها و حواشی مختلف متن درسی شد. کاتبی نیز شیوه نگارش متن درسی در العین و رساله شمسیه را از استادش ابهری فراگرفته است.

الگوی من در فهم بسط تاریخی علم منطق در تمدن اسلامی، تمایز تاریخی و معرفتی نظام‌های نه بخشی، دوبخشی، تلفیقی و التقاطی است. نیکلاس رشر، مورخ منطق با تمایز مدرسه غرب و شرق توسعه منطق را در تمدن اسلامی مطالعه کرده است (نک: ابوالحسنی، «مقایسه الگوی رشر و قراملکی در تفسیر تطور تاریخی منطق در دوره اسلامی»، ص ۲۴۲-۲۳۱).

الگوی مورد استفاده نگارنده چند قرن پیش کشف شده است و در میان

معاصران ما، کتاب‌شناس و مورخ علم در تمدن اسلامی، محمدتقی دانش‌پژوه بر اهمیت این الگو توجه داده است. گمانم این است که کارآمدی این الگو در تمایز تاریخی و معرفتی نظام‌های منطقی را نشان داده‌ام.

احیای میراث منطقی و شناخت ره‌آوردها و رهیافت‌های منطق‌دانان مسلمان یکی از علاقه‌های پژوهشی نگارنده بوده است. مقاله‌های نخست من در نشریه‌های علمی پژوهشی که به روزگار دانشجویی‌ام برمی‌گردد، در تحلیل مسایل منطقی بوده‌اند. همچنین رساله دکتری را در تحلیل قضایا به راهنمایی استاد فرزانه جناب دکتر ضیاء محمد پژوهش کردم (۱۳۷۳). به توصیه دانشگاه پیام نور دو جلد منطق را با جهت‌گیری آموزشی و در نظام منطق‌نگاری دوبخشی نوشتم (۱۳۷۵-۱۳۷۳). جامه نامناسب و مغلوطن این اثر هر چند سخت آزرده‌ام کرد اما از علاقه‌ام به منطق نکاست. احیاء برخی از آثار منطقی را در برنامه‌ام نهادم. برخی از این آثار که با اهتمام و همکاری برخی از دوستان منتشر شدند عبارتند از: منطق ملخص از فخر رازی (۱۳۸۱)، تحفة السلاطین جابر انصاری (۱۳۸۶)، دوازده رساله در پارادوکس دروغگو از دانشمندان دوره شیراز (۱۳۸۶) و نقدالاصول تهرانی (۱۳۸۹).

پیشینه این دفتر. مطالعاتم در منطق از سال ۱۳۶۷ به نوشتن مقاله‌ای می‌انجامید و مقاله پس از مدتی در نشریه‌ای مجال خودنمایی می‌یافت. تشویق استادان و همکاران مرا به مطالعه‌ای دیگر ترغیب می‌کرد و ماجرای من و مسایل منطقی ادامه می‌یافت. امروزه ضرورت پرداختن به اخلاق حرفه‌ای بین من و علاقه منطقی‌ام فاصله انداخته است. کم اقبالی علمی و اجرایی به اخلاق حرفه‌ای مرا به اقبال به آن سوق داده است. برخی از همکاران گونه‌ای وداع اعلام نشده با منطق‌پژوهی را احساس کرده‌اند. آنان در پی اسن احساس مرا به انتشار مجموعه

مقدمه ش

مقالات پیشین وامی دارند. پس از چندسالی درنگ، به توصیه آنان عمل کردم. دو عامل مرا به این برانگیختند: دشوار بودن دستیابی دانشجویان به مقاله‌هایی که در نشریه‌ها دو دهه اخیر پراکنده‌اند و نیاز برخی از مقاله‌ها به تجدیدنظر و بازنویسی.

اینک بیست و دو مقاله از پژوهش‌های گذشته با پیرایش و افزایش فراوان نگارشی نو یافته‌اند. و در حاشیه‌ای جدید عرضه می‌شوند. در این میان تنها دو مقاله پیش از این مجال نشر نیافته است. برخی از مقاله‌ها از همکاری دوستی فاضل، دانشجوی گرامی با استادی ارجمند برخوردار بودم. در ذیل هر مقاله که اینک به عنوان فصلی از مجموعه حاضر آمده است به نام آنان اشاره کرده‌ام. از همه آنان که با همنشینی مقاله در این مجموعه موافقت کرده‌اند، تشکر می‌کنم. در همنشینی مقاله‌ها، ترتیب تاریخی نگارش یا نشر آنها را ملاک قرار نداده‌ام بلکه به ترتیب منطقی پای‌بند بوده‌ام.

روش و ساختار این دفتر. مقالات این دفتر در چهار بخش و بیست و یک فصل سامان یافته‌اند: علم‌شناسی، معرفت‌شناسی، آراء منطقی دانشمندان مسلمان، تحلیل تاریخی مسایل منطقی.

بخش نخست؛ گزارش و تحلیل دیدگاه منطق‌دانان در شناخت علوم می‌پردازد. مباحث علم‌شناسی بر مباحث علم تقدم دارند و (به تقدم مبانی بر مسایل). شرح چهار رهیافت عمده علم‌شناسی: منطقی - تحلیلی، موردپژوهانه (روؤس ثمانیه)، تطبیقی و تقسیم‌العلوم و تاریخی در فصل اول آمده است. موضوع علم مهم‌ترین رکن در الگوی علم‌شناسی ارسطویی است که وحدت بخش مسایل علم و تمایز دهنده آنها از مسایل سایر علوم است. قاعده‌ای مشهور در منطق ارسطویی موضوع علم را امری می‌داند که در آن علم از اعراض ذاتی

آن موضوع بحث می‌شود. نقد منطق دانان مسلمان بر این قاعده را در فصل دوم می‌آوریم. جایگاه معرفتی علم منطق در الگوی علم‌شناسی ارسطویی که یکی از چالش‌آورترین مسایل در علم‌شناسی ارسطویی است در فصل سوم مورد بحث قرار گرفته است. مواجهه اصولیان با الگوی علم‌شناسی ارسطو و سهم اصولیان متأخر در آرایه الگوی جدید علم‌شناسی موضوع فصل چهارم است.

بخش دوم به طرح مباحث معرفت‌شناسی نزد منطق دانان مسلمان می‌پردازد: نظریه توجیه نزد طوسی، برهان حقایق نفس‌الامری، بدهات تصورات حسی، تمثیل، کثرت‌گرایی تا جهان‌شمولی معرفت. تنها این مقاله در این مجموعه ره‌آورد یا رهیافت منطق دانان پیشین نمی‌پردازد و صرفاً دیدگاه نگارنده را در گذار از پست مدرنیسم به پست پست مدرنیسم بیان می‌کند. مراد از برهان حقایق نفس‌الامری ابتکار طوسی در اثبات عقل مفارق بر اساس تحلیل صدق قضایای حقیقه است این ابتکار هم نزد فیلسوفان متأخر در جهان اسلام و هم نزد لایب نیز مورد توجه قرار گرفته است. آنچه در این برهان اثبات می‌شود یک نظریه فلسفی است اما بنیان استدلال دیدگاه معرفت‌شناختی است. در این مقاله همانند بسیاری از شارحان رساله در اثبات عقل مفارق طوسی، بنیان معرفت‌شناختی این برهان را مورد بررسی قرار داده‌ایم. بحث از تحلیل را منطق دانان در کتاب قیاس و پس از بررسی قیاسی و استقراء می‌آمدند. بحث از اعتبار منطقی تمثیل به یکی از دو رکن نظریه توجیه منطق دانان مربوط است. نظر به توجیه منطق دانان مسلمان غالباً به پیروی ارسطو، دیدگاه مبنایگروی با قرائت‌های گوناگون است. مبنایگروی دارای دو رکن است: گزاره‌های بدیهی و فرایند استنتاج نظری از بدیهی. تمثیل به منزله یکی از فرایندهای استنتاج در دیدگاه مبنایگروی سنجش می‌شود. به همین سبب این بحث را در میان مباحث معرفت‌شناسی آورده‌ام.

مقدمه ض

بخش سوم به طرح برخی از دیدگاه‌های مهم منطق‌دانان می‌پردازد: تحول ساختاری در منطق‌نگاری ابن‌سینا، مکتب منطقی شیخ اشراق، آراء آثار منطقی علامه حلی، قطب‌الدین رازی و معمای مجهول مطلق، آراء و آثار منطقی جلال‌الدین دوانی و ملاصدرا و تحویل قضایا. در این بخش گزارش از زندگی و بحث تفصیلی آراء مقصود ما نیست. بلکه مراد اشاره به نقش راهبردی منطق‌دانان در طرح مسایل منطقی است.

در بخش چهارم برخی از مسایل منطقی در تطور تاریخی مطالعه می‌شود. ترتیب طرح این مسایل، ترتیب آثار منطقی به‌ویژه آثار دویخشی است. مفاهیم غیرمحصل، تمایز مصداقی خبر اجزاء قضیه، از طبیعه تا محمول درجه دو، تطور تاریخی قضایای حقیقی، خارجی و ذهنی.

در طرح مباحث از دو روش تحلیل محتوایی و تحلیل تاریخی استفاده شده است. در تحلیل محتوایی فنون تحلیل مفهومی، تحلیل گزاره‌ای و تحلیل نظام معرفتی به کار رفته‌اند و در تحلیل تاریخی تطور مسایل و دیدگاه از گذشته به آینده بررسی شده‌اند. در کتاب روش‌شناسی مطالعات دینی (اینک چاپ ششم، ۱۳۹۰) تصور خود از این دو رهیافت مطالعاتی را نشان داده‌ام.

همنشینی مقاله‌ها علاوه بر نظم و ترتیب منطقی محتاج یکسان بودن ارجاعات و منابع بود. برخی از منابعی که در زمان گذشته استفاده می‌شد، دست‌نویس بودند درحالی که اینک متن مصحح آنها منتشر شده است. به همین سبب ارجاعات همه فصول به نحو یکسان و به نسخه معین از منابع تنظیم شدند. امیدوارم این مجموعه فراتر از نشر مجدد مقاله‌ها، تألیف نو و بازنویسی جدید از ره‌آوردهای سابق باشد. از آنجا که جز یک مورد بقیه فصول به بحث تاریخی مسایل منطقی می‌پردازند، نام «جستار در میراث منطق‌دانان مسلمان» را بر آن شایسته یافتیم.

تشکر و قدردانی. نشر این مجموعه را جز توفیق الهی نمی‌دانم. خداوند
مهربان را شاکرم که شکرش مزید نعمت است. توفیق الهی عزیزان زیادی را به
یاری برانگیخت. دوست دانشمند، ریاست محترم پژوهشگاه علوم انسانی جناب
آقای دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی و همکاران محترم ایشان در شورای انتشارات
پژوهشگاه علوم انسانی دیده‌نیکو بر این دفتر داشتند و انتشار آن در برنامه خود
قرار دادند. سرکار خانم سمانه امینی و سرکار خانم سیده مریم حسینی تایپ
مجموعه و ملاحظات من بر آنها را تقبل کرد. سرکار خانم سیده زهرا حسینی
ویراستاری و بازمینی مجموعه را بر عهده گرفتند. همکاران انتشارات پژوهشگاه
علوم انسانی را نیز باید بر این نام‌های نیک افزود.

پاییز ۱۳۹۰

دانشگاه تهران - احد فرامرز قراملکی*